

ره‌آورد آیت‌الله معرفت در حوزه مطالعات قرآنی

در گفت‌وگو با سید هدایت جلیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران و سردبیر کتاب ماه دین

اشاره:

خبرگزاری قرآنی ایران به‌تازگی با سید هدایت جلیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران و سردبیر کتاب ماه دین در باره دستاوردهای آیت‌الله محمدهادی معرفت در حوزه مطالعات قرآنی گفت‌وگویی انجام داد و گزارش مختصری از آن را منتشر کرد. متن حاضر مشروح کامل این گفت‌وگوست.

کتاب ماه دین

وی با بیان این که ترجیح می‌دهم از اصطلاح «مطالعات قرآنی» (Quranic Studies) استفاده کنم، گفت: این اصطلاح در عرف بین‌الملل و در محافل اکادمیک، رایج و شناخته شده و دارای قلمرو معین و محورهای مشخص است. در کشورهای اروپایی نیز کرسی‌ها و دپارتمان‌هایی با همین عنوان وجود دارد و چیزی با عنوان علوم قرآنی شناخته شده و معتبر نیست. سردبیر کتاب ماه دین، با بیان این که مطالعات قرآنی از چهار حوزه خارج نیست، اظهار کرد: این چهار حوزه عبارتند از: مطالعاتی که ناظر به تکوین متن قرآنی است، مطالعاتی که به تفسیر متن قرآنی مربوط می‌شوند، مطالعاتی که ناظر به حقایق محتوای متن قرآن است، مطالعاتی که به تأثیر آن بر جهان متأخر از متن قرآنی مربوط می‌شود. وی خاطر نشان کرد: تقسیم‌بندی دوگانه تفسیر و علوم قرآنی افزون بر این که غیر دقیق و خطاست، جامعیت تقسیم‌بندی فوق را ندارد. مطالعات قرآنی دانشمندان علوم قرآنی نیز گستره

سید هدایت جلیلی، نویسنده، پژوهشگر و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، درباره آرای آیت‌الله معرفت در علوم قرآنی اظهار کرد: در آغاز به روح بلند آیت‌الله معرفت درود می‌فرستم و خدای را به خاطر توفیق شاگردی در محضر وی شاکرم. ابتدا می‌خواهم به دو مؤلفه موجود در موضوع بحث بپردازم؛ «علوم قرآنی» و «آیت‌الله معرفت».

«علوم قرآنی» برای بنده مبهم است و هرچه بیشتر می‌روم درک و پذیرش آن برایم دشوارتر می‌شود. این اصطلاح به‌رغم آن که بسیار رایج است، همچنان گرفتار ابهام است. مؤلف کتاب روش‌شناسی تفاسیر موضوعی افزود: برخی می‌کوشند که از رهگذر تفکیک «علوم للقرآن»، «علوم القرآن» و «علوم حول القرآن» این ابهام و تیرگی را چاره کنند. این تفکیک اگرچه سودمند و رهگشاست، اما مشکل بنیادین مفهوم علوم قرآنی را حل و رفع نمی‌کند.

محورهای چهارگانه فوق را فرا نمی‌گیرد.

وی در باره شخصیت علمی آیت‌الله معرفت گفت: وی عالمی متضلع است اما بیشتر وی را چونان قرآن‌پژوه و عالم علوم قرآنی می‌شناسند و آثاری که در این قلمرو آفریده کماً و کیفاً در خور توجه است. البته مطالعات قرآنی آیت‌الله معرفت عمدتاً در دو محور نخست از محورهای چهارگانه مذکور قابل گنجایش است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران در معرفی تألیفات آیت‌الله معرفت تصریح کرد: ایشان آثار درخشانی در سه موضوع مهم دارند؛ در بحث تفسیر: التفسیر الاثری الجامع، در بحث تفسیر پژوهی: التفسیر و الفسرون فی توبه القشيب و در بحث علوم قرآنی به معنای متعارف، التهمید فی علوم القرآن. هر یک از این آثار سه‌گانه آیت‌الله معرفت کافی بود که وی را چونان شخصیتی ماندگار در قلمرو قرآن‌پژوهی در حافظه و صحیفه قرآن‌پژوهان ثبت کند.

وی در تبیین جایگاه تألیفات آیت‌الله معرفت در میراث مکتوب تشیع گفت: مکتوبات تشیع به‌رغم پرباری، در خصوص مباحث علوم قرآنی در قیاس با اهل سنت همواره با گونه‌ای تأخر روبرو بوده است؛ این بدان معنا نیست که در میراث شیعه بن‌مایه‌ها این حوزه از مطالعات وجود نداشته و ندارد؛ بلکه به این معناست که اهل سنت در تدوین آثاری با موضوع علوم قرآنی در یک مجموعه از دیرباز پیش قدم بوده و هستند و در ساحت تشیع ما از این حیث با تأخر تألیفی روبه‌رویم.

جلیلی افزود: این تقدم به شکلی است که اکثریت آثار با مراجع و مصادر این قلمرو از مطالعات، به قلم اهل سنت نگاشته شده است. البته این امر، علل و دلایل خاصی دارد که مجال طرح آن در این گفت‌وگو نیست. در روزگار ما، از کسانی که چنین خلأ و تأخری را به جد احساس کرد و کمر همت و اهتمام در تدوین آثار علوم قرآنی مبتنی بر مبانی شیعه بست، آیت‌الله معرفت چهره شاخص و نامبرداری است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران در تبیین دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره نسخ اظهار کرد: هرچند درباره نسخ در دیدگاه وی مسائل زیادی شایان ذکر و تأمل است، اما دو نکته دارای برجستگی بیشتری است. یکی آن که وی نسخ را در معنای حقیقی‌اش در خصوص قرآن نمی‌پذیرد و آن را در مصداق قرآن و

خداوند به حسب ظاهری می‌داند؛ یعنی نسخ در قرآن از چشم ما انسان‌ها نسخ می‌نماید، اما از منظر الهی و از آن موضوع که نظر کنیم به واقع، نسخی در کار نبوده است.

سردبیر کتاب ماه دین در بیان نکته دوم تصریح کرد: آیت‌الله معرفت قائل به تفکیک نسخ مشروط از نسخ مطلق است؛ به باور وی، بسیاری از مواردی را که در نهایت به وقوع نسخ در آنها گردن می‌نهمیم، از نوع نسخ مشروط‌اند؛ بدین معنا که آن منسوخ به دوره و شرایطی ناظر بود که اکنون آن دوره و شرایط سپری شده است.

مؤلف کتاب روش‌شناسی تفاسیر موضوعی خاطر نشان کرد: این بدان معناست که اگر احیاناً همان شرایط و اوضاع دیگر بار حاکم شود، آیات مربوط بدان که اینک منسوخ شده‌اند، از نو قوت

گرفته و قابل اجرا می‌شوند و این، یعنی نسخی که صورت گرفته مطلق نبوده، بلکه مشروط بوده است.

این پژوهشگر علوم قرآن افزود: شاید اظهار این سخن در این جا خالی از لطف نباشد که آوردن ملاحظات و تفکیک‌هایی که طی دو نکته از آیت‌الله معرفت ذکر کردیم، نشان از آن دارد که بحث نسخ همچنان رخنه‌هایی دارد که از رهگذر این تقسیم‌بندی‌ها و ملاحظات در صدد پوشاندن آن رخنه‌ها هستیم. باید در نظر داشت که افزودن ملاحظات، شروط، تقسیمات، تفکیک‌ها و تبصره‌ها در بحث نسخ، آن را از خاصیت و کارکردش خواهد انداخت.

جلیلی در بیان دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره تأویل تصریح کرد: وی چهار معنا از تأویل را همواره از هم باز می‌شناخت و اجازه نمی‌داد این معانی باهم درآمیزند و مفهوم تأویل را دچار ابهام و مخاطبان بحث آن را دچار سرگشتگی کند. وی یکی از معانی تأویل را عبارت از بطن قرآنی و معنای باطن آیات می‌دانست.

وی با بیان این که آیت‌الله معرفت تأویل آیات را از جنس معنا و مفاهیم می‌دانست، اظهار کرد: دیدگاه وی برخلاف دیدگاه علامه طباطبایی بود که تأویل را از جنس حقایق بیرونی می‌دانست. دغدغه بسیار مهم آیت‌الله معرفت در خصوص تأویل آیات، کشف معانی باطنی قرآن و رفع بی‌ضابطه‌گی و ناروشمندی



عرصه تأویل بود.

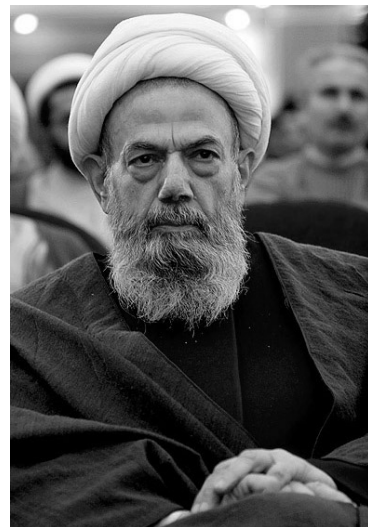
جلیلی خاطر نشان کرد: آیت‌الله معرفت بر این باور بود که بسیاری از تأویلات مفسران، از جنس تداعی معانی هستند که بر خاطر مفسر گذر کرده‌اند و این‌ها را به واقع نمی‌توان تفسیر نام نهاد. تداعی معانی هم نظم‌پذیر نیست و از دایره اختیار بیرون است. وی می‌کوشید تأویل را ضابطه‌مند و روشمند کند و ضابطه‌مندی را بر فضای تأویل حاکم کند.

مؤلف کتاب روش‌شناسی تفاسیر موضوعی با بیان این که آیت‌الله معرفت در تأویل قرآن بر قاعده سبر و تقسیم تکیه می‌کرد، گفت: وی با آوردن نمونه‌هایی از آیات و کاربست قاعده سبر و تقسیم به معنایی نهایی و مجرد از آیات دست می‌یافت و آن را تأویل آن آیه و معنای باطن آن قلمداد می‌کرد. وی از این که مفسری معنایی را به عنوان تأویل به آیه‌ای نسبت می‌دهند که با هیچ ضابطه منطقی در دلالت الفاظ، راه بدان معنا متصور نیست، سخت برمی‌آشفت. یکی از کسانی که تفسیر و تأویلات این‌چنینی‌اش از قرآن را بر نمی‌تافت، ابن عربی بود. او بر این باور بود که تأویل در چارچوب یکی از دلالت‌ها که در بحث الفاظ مطرح است، باید بگنجد.

وی خاطر نشان کرد: به نظر من آثار قرآن پژوهی آیت‌الله معرفت، گرچه کوشش سترگ یک عالم شیعی در مقام پاسخ به یک خلأ بزرگ است، اما همچنان مسبوق و معطوف به میراث اهل سنت است. به دیگر تفسیر، می‌توان آنها را حاشیه یک عالم شیعی، با دغدغه‌های شیعی و با روح نقاد و مسأله‌یاب به میراث اهل سنت در تفسیر، علوم قرآنی و تفسیر پژوهی دانست.

جلیلی با بیان این که نمونه بارز این رویکرد التفسیر و التفسرون فی ثوبه القشيب است، گفت: آیت‌الله معرفت در این کتاب در مقام اصلاح، پیرایش و تکمیل التفسیر و المفسرون محمدحسین ذهبی اما با همان ساختار و مبانی است. با این وجود آثار آیت‌الله معرفت به طور قطع دارای عناصر و رگه‌های نوآورانه‌ای است.

مؤلف کتاب روش‌شناسی تفاسیر موضوعی با بیان این که نوآوری‌ها آیت‌الله معرفت در چارچوب و فضای گفتمان سنتی شکل می‌گیرد، تصریح کرد: این نوآوری‌ها رهیافتی نوینی ندارد



تا با گفتمان‌های قرآن‌پژوهی مدرن نسبتی پیدا کند. به نظر من، نوآوری‌های وی مبتنی بر مبانی سنتی است و از این‌رو، شعاع آن محدود و تحول‌بخشی آن کم دامنه است. با این وجود در آثار وی نکته‌ها، تلنگرها و رویکردها و اخگرهای ارزشمند و قابل تأملی دیده می‌شود.

جلیلی در نقد انسجام ساختاری آثار آیت‌الله معرفت بیان کرد: آثار وی با وجود طرح مطالب ارزشمند، سیر منطقی مورد انتظار را ندارد و از این‌رو، نیازمند ویرایش ساختاری است. به دیگر عبارت، مکتوبات وی فرآیند روشمند یک اثر پژوهشی را طی نمی‌کند. مباحث به جای آنکه سیر خطی خود را طی کند، فرآیندی دوری پیدا می‌کند و در لابلای آن بحث‌های فرعی می‌آید.

وی با بیان این که دیدگاه آیت‌الله معرفت در یک موضوع و مسئله در یک فصل و بخش از کتاب یک‌جا بیان نمی‌شود، اظهار کرد: همین امر درک دیدگاه وی را با دشواری و گاه با احساس تشتت همراه می‌کند. پیشنهاد می‌کنم آثار آن عالم بزرگ را به دست ویرایش ساختاری و محتوایی سپرد شود.

جلیلی در پاسخ به این سؤال که دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره صحابه چه بود؟، بیان کرد: یکی از نگرش‌های آیت‌الله معرفت که واکنش‌هایی را در پی داشت، نظر ایشان در خصوص صحابه بود. با توجه به گستره بینش و آگاهی آیت‌الله معرفت که محدود به قم و محافل شیعی نبود و کم و بیش با جهان تسنن ارتباط داشت، چنین دریافته بود که مسئله صحابه از دیرباز بستر مناقشات، افراط و تفریط‌ها و سوء تفاهم‌های شیعه و اهل سنت شده است.

این پژوهشگر حوزه مطالعات قرآنی خاطر نشان کرد: نگاه قدسی اهل سنت به صحابه و نشانیدن آنان بر ساحتی که فوق چون و چرا است، در کنار تعریف بسیار موسع «ابن حجر» از صحابه، مبنی بر این که هر آن کس پیامبر(ص) را هر چند یک لحظه دیده باشد و مسلمان از دنیا رفته باشد، در شمار صحابه پیامبر(ص) است، افراد کثیری را به عنوان صحابه پیامبر(ص) در هاله عصمت و قداست قرار می‌دهد.

جلیلی در بیان تبعات این رویکرد در اهل سنت تصریح کرد: در شمار صحابه رسول اکرم(ص) افرادی یافت شوند که رفتارهای پلید و غیر انسانی و اسلامی آنها در منابع تاریخی مربوط به صدر اسلام ثبت شده است.

وی افزود: از سو دیگر، آیت‌الله معرفت می‌دید که در محافل

و مکتوبات شیعه، صحابه پیامبر(ص) «بما هو صحابه» هیچ مرجعیت و آئوریت‌های ندارد و از این فراتر، کاربرد الفاظ و تعابیر ناپسند و بعضاً غیر اخلاقی در خصوص صحابه زمینه را برای سوء استفاده و حمله به شیعه در جهان اسلان فراهم آورده است.

این پژوهشگر حوزه مطالعات قرآنی با بیان این که آیت‌الله معرفت نگاهی آسیب‌شناسانه توأم با حرکت اصلاحی به این مسئله داشت، اظهار کرد: وی کوشید تا از طریق نقد و نفی تعریف ابن حجر از صحابه و ارائه تعریفی جدید از صحابی که به باور وی مبتنی بر نگاه قرآن و اهل بیت(ع) است، دامنه مصادیق صحابه را از افرادی که سلوک و رفتارشان وهن اسلام پیامبر (ص) بود، پیراسته کند و آن‌گاه از پس این تعریف، مصادیق باقی مانده را مکانت رفیع بخشد و چنان که باید و شاید تکریم کند و به سخن آنان را معتبر و حجت بشمارد.

جلیلی با بیان این که این حرکت اصلاحی در غبار هیجانانگیز خوب دیده نشد، اظهار کرد: دیدگاه آیت‌الله معرفت ابتدا در یکی از نشریات در دو شماره منتشر شد و بعدها به صورت کتابچه کوچکی نیز به چاپ رسید. شخصاً در همان زمان ضمن ارج نهادن به دغدغه وی، کوشش ایشان در بحث صحابه را طی مقاله‌ای با عنوان «صحابی کیست؟» که در مجله علوم حدیث به چاپ رسیده است، به تحلیل نشستیم.

وی خاطر نشان کرد: در آن مقاله هرچند کارآمدی تحلیل آیت‌الله معرفت را به لحاظ منطقی و تحلیلی چندان قرین توفیق نیافتیم، اما آن را پاسخ‌گوی به حملات علیه شیعه دانستیم. این نکته را بیافزایم که دیدگاه وی در خصوص صحابه و تابعین در آثار متأخر و واپسین ایشان نمود و بروز یافته است؛ از جمله در مجموعه تفسیر الاتری الجامع که بعضاً و البته ندرتاً اقوال صحابه و تابعینی در کنار روایات تفسیری پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) آمده است.

این پژوهشگر حوزه مطالعات قرآنی درباره دیدگاه آیت‌الله معرفت در زمینه اعجاز قرآن اظهار کرد: وی در سه جلد پایانی التمهید به تفصیل درباره دیدگاه‌های مختلف در بحث اعجاز قرآن سخن گفته است و ابعاد اعجاز قرآن آن را در سه بعد کلی بیان می‌کند که شامل سه بعد اعجاز بیانی، اعجاز علمی و اعجاز تشریحی است. اعجاز بیانی را نیز در پنج بخش و بُعد خلاصه می‌کند؛ گزینش کلمات، سبک و شیوه بیان، نظم آهنگ قرآنی، وحدت موضوع یا تناسب معنوی آیات و نکته‌ها و ظرافت‌ها.

وی افزود: آن‌طور که از آیت‌الله معرفت در یکی از کلاس‌های شنیدم، وی در خصوص اعجاز قرآن بر آن بود که قرآن به واسطه یکی از ابعادش معجزه نیست، قرآن از آن‌رو معجزه است که این ابعاد در یک‌جا گرد آمده‌اند. نکته دیگر این که وی برای معجزه حیثیت و شأنیت دفاعی قائل بود و نه شأن تبلیغی و این نکته را از یافته‌ها و تأملات خود می‌دانست. به یاد دارم که در آن جلسه بی‌بی از مولانا را در میان گذاشتم که بر جنبه دفاعی معجزه تأکید می‌کرد که تعجب و تأمل آیت‌الله معرفت را برانگیخت. آن بیت مولانا این بود:

معجزات از بهر قهر دشمن است
بوی جنسیت پی دل بردن است.

جلیلی با بیان این که

بحث اعجاز قرآن در کتاب‌های علوم قرآنی از جمله در آثار آیت‌الله معرفت از دو عارضه مهم رنج می‌برند، تصریح کرد: نخست این که با انبوه مباحث حول معجزه در آثار فلسفی، خاصه در کتب فلسفه دین که

پس از هیوم وارد مرحله جدی‌تری شده است، ربط و نسبتی برقرار نکرده‌اند. دیگر این که میان مباحث کلامی در باب معجزه و مباحث عالمان علوم قرآنی در خصوص اعجاز قرآن، برخلاف ظاهر امر، فاصله و حلقه مفقوده‌ای وجود دارد.

این پژوهشگر حوزه مطالعات قرآنی با بیان این که بر مباحث معجزه، وضعیت یک موضوع و دو منطق حاکم است، تصریح کرد: این شرایط چونان وضعیت یک بام و دو هوا است. به عنوان مثال، ایده آیت‌الله معرفت که معجزه یک ضرورت دفاعی است نه تبلیغی را آن‌گاه که بخواهیم در مصداق معجزه بودن قرآن سرایت دهیم و اعمال کنیم، چه نتایج و تبعاتی خواهد داشت؟

وی نتیجه گرفت که این دو عارضه باعث شده است که مباحث عالمان علوم قرآنی در خصوص اعجاز قرآن نتواند با مسئله‌های جدی امروز ارتباطی برقرار کند و به بحث اعجاز قرآن خصلتی کاملاً درون‌دینی دهد.

